

پایانی - و بطور سببه و لذرا - نجیب از نظر ۴۶ خردم را نوشته . در هنرند ابریل صراط و غنچه از این

کار است . البته کتاب هنوز ناقص است و جا مقالات دیگری را دارد . مقالاتی که برخی از آنها را

نوشته ام و بقیه را هم شاید بنویسم . در کتاب تجدید چاپ شد . همه را یکی بنامم . مدت ۹ ماه است

که - کلاس زبان فارسی و همین امر خیر از کارها می آید . بعد سرگرد کرده است . باز هم از نظرات و انتقادات

ایران سیاسی گمانم و خوشحالم که تو در همین پر تجربه ، ^و مایل را با وقت بگیری . و دیگر اینکه من

واقعا نگرانم که تو تا خوب بیانی سرفه (یا حداقل ^{دهنده} سرفه) در افغانستان و تاجیکستان بدیده ای . از بی

حالتی است بدینم ؟ تد که بیانی من روشن ما جدائی افکنند و بسیار از کوشنده کان و لا هنر و ادب برای

نخستین ما نماندس مانده اند . امروز هم کسانی که در این هفته از کار و فعالیت ها ما آگاهی چندانی

ندارند و این نوعی گنجینه تازه « برداشت گنجینه » است . آنها نظریه که گفتیم کار شود در این زمانه

و هر کس اجزای خود را خواهد رفت .

والله اعلم

آر میباشم که در لندن هستی حقا غاصرین را برایت خوشترام . در این مدت جز آن کتاب ، کتاب تازه ای

نوشته ام . با سال که ساختن از ادب چاپ شد - ترجمه تجدید چاپ شد . ماه پیش هم کتاب

« سرزمین های بیار » به زبان و انگارگی منتشر شد . چند کتاب شعر - داستان کودکان - ترجمه به آلمانی و ...

آماده چاپ دارم . تو میدانی که همه چیز و همه بر وفق مراد است و باید آرام آرام کار کرد . هفته پیش

دیوارها با آتازنگ علو داشتیم که پر بارش و آفرین بود . در خود ، سلامت و کارها تازه است

بیشتر برایم بنویس و بگذار که این دوستدار تو از شهرت کار زندگی تو لذت ببر .

با دوستی و مهر مانی

۴۰۱۰۹۵